

حافظ

اشعار

تولد

سال تولد : در فاصله سالهای ۷۱۲ تا ۷۲۷ هجری شمسی

محل تولد : شیراز

نام در زمان تولد : شمس الدین محمد

خانواده

تخلص : حافظ (منظور کسی است که قرآن را از بر می خواند. گفته شده حافظ به ۱۴ شیوه مختلف قرآن می خوانده

است). نام پدر : بها الدین

تعداد برادر : ۲ برادر بزرگتر از خود

تعداد فرزند : یک

تأهل : حافظ در دهه سوم عمرش با یار و معشوقه اش " شاخ نبات " ازدواج کرد.

حوادث مهم زندگی حافظ

دوران جوانی : با شنیدن تلاوت آیات قرآن بوسیله پدرش، آن را به حافظه سپرد. در ضمن اینکه بسیاری از آثار بزرگان

ادب را، همچون سعدی، عطار، نظامی و مولوی را حفظ کرده بود. بعد از مرگ پدر که ذغال فروش بود، حافظ به اتفاق

مادر، نزد عموی خود (که نامش سعدی بود) رفتند. سپس مدتی در پرده دوزی و خمیرگیری در نانوائی به کار مشغول

شد.

بیست و یک سالگی : به هنگام تحویل نان در محله اعیان شیراز با دختری زیبا رو به نام " شاخ نبات " آشنا شد.

تعدادی از شعرهایش نیز خطاب به اوست. برای آن که به وصال محبوب خود برسد، چهل شبانه روز بر مزار باباکوهی

شب زنده داری کرد تا به خواسته اش دست یابد.

بیست تا سی سالگی : در دربار شاه ابواسحاق اینجو حضور یافت و آوازه شهرتش شیراز را فرا گرفت. اینجو که خود اهل ذوق و شعر بود، مقام حافظ را بس گرامی داشت و حافظ نیز او را بمدح گفت. مشخصه شعر حافظ در این دوره رمانیتیم است. امیر مبارزالدین محمد با شکست ابواسحاق به قدرت رسید و حافظ را از مقام و منصبش برکنار و از تدریس علوم قرآنی نیز محروم کرد. در این دوره حافظ به سرودن اشعار اعتراض آمیز سیاسی روی آورد.

سی و هشت سالگی : شاه شجاع پسر مبارزالدین محمد، پدرش را خلع کرد و دوباره حافظ را به مقام و مرتبت پیشین خود بازگرداند. حافظ که از تجربه روزگار عبرت گرفته بود، به سرودن اشعار روحانی و اخلاقی روی آورد.

اوایل ۴۰ سالگی : حافظ علیرغم مقام و جایگاهش در دربار شاه شجاع از حق گویی و انصاف بدور نبود و بدلیل صراحت و حق طلبی گاه به دردرس می افتاد.

چهل و هشت سالگی : حافظ برای حفظ جان و امنیت شیراز را ترک گفت، و به اصفهان نقل مکان کرد. در شعرهای این دوره، دلتنگی و ناراحتی حافظ از دوری از شاخ نبات و شهر شیراز و عطار شیرازی منعکس شده است. پنجاه و دو سالگی : حافظ به دعوت شاه شجاع به تبعید خود خواسته پایان داد و به شیراز بازگشت و دوباره مقام و رتبه پیشین خود را در مراکز علوم دینی بازیافت.

شصت سالگی : برای آنکه به خدای خود نزدیکتر شود، چهل شبانه روز به زاری و تضرع پرداخت؛ و صبح روز چهارم به محضر عطار شیرازی رفت و با نوشیدن جامی از دست او به مراد خود رسید.

شعر حافظ

دیوان حافظ : حاوی ۵۰۰ غزل، ۴۲ رباعی، و تعداد نامحدودی قصیده است که در عرض مدت ۵۰ سال سروده شده است. حافظ هر آن گاه که حالتی روحانی به او دست می داد، به سرودن شعر می پرداخت و به همین علت گاه در طول یک سال بیشتر از ۱۰ غزل نمی سرود. قصد و نیت او سرودن اشعاری بود که خداوند از دستش راضی باشد.

تدوین و جمع آوری دیوان حافظ؛ حافظ خود هیچگاه به فکر تدوین و جمع آوری اشعار خود نبود. دیوان او برای نخستین بار در سال ۷۸۹ هجری شمسی بوسیله محمد گل اندام، ۲۲ سال بعد از وفات حافظ گردآوری شد.

وفات حافظ

حافظ به سال ۷۹۱ در سن ۶۹ سالگی در شیراز درگذشت. جسد او را در باغ مصلی، در کنار نهر رکن آباد شیراز به خاک سپردند، محلی که امروزه به نام حافظیه خوانده می شود. روحانیون متعصب و قشری زمان او اجازه ندادند که حافظ را به آئین اسلام کفن و دفن کنند، ولی حمایت توده مردم از شاعر محبوبشان باعث تنش و ناآرامی در شیراز شد. چاره اندیشیدند، که برای حل مشکل به دیوان حافظ تفأل زنند، که نتیجه آن این بیت شد :

قدم در بیخ مدار که جنازه حافظ*** که گر چه غرق گناهست می رود بهشت

حافظ در کلام بزرگان

گوته : حافظ در شعر خویش حقیقت غیر قابل انکار را به شیوه ای محو ناشدنی بیان کرده است. حافظ یگانه و بی نظیر است.

امرسون : حافظ همواره از این که در جایگاهی نامناسب و ناجور قرارش دهند ابا داشت، از هیچ چیز در بیم و هراس نبود. حافظ ماوراء را می دید، و دیدش نافذ بود. او تنها انسانی است که من آرزوی دیدارش را دارم و دلم می خواست جای او می بودم.

ادوارد فیتز جرالده : حافظ بهترین آهنگساز واژه هاست.

گرتروود بل : گویی چشم بصیرت حافظ، آنچنان نافذ و تیزبین است که به قلمروهایی از تفکر و اندیشه ای سر می کشد، که حتی نسل های بعد از ورود به آن ممنوع شده اند.

آربریچ : حافظ در نگاه هموطنانش، همان جایگاه و مرتبتی را دارد که شکسپیر برای ما، و شایسته مطالعه دقیق ماست.